



مبانی فقه انتخابات

آنچه در ادامه می خوانید گفتاری از آیت الله علی اکبر رشاد در بررسی مبانی فقه انتخابات است:



ضرورت پرداختن به فقه انتخابات

می توان اذعان داشت که متأسفانه از پایگاه فقه اهل بیت علیهم ال مباحث که به شدت مورد ابتلاء است نپرداخته ایم؛ یکی از آنها مسئله حد مثلاً ۱۰ مسئله و مبحث می تواند باشد که این مسائل دهگانه مور بوده و از شدت ابتلا و کثرت ابتلا برخوردار است؛ قطعاً باید بگوییم ی اسلامی داشته باشیم که به اندازه مسئله انتخابات مورد ابتلا باشد مهمترین و پر ابتلا ترین مساله بشر معاصر و مسلمان معاصر است ، بیش از چهل سال از انقلاب شکوهمند اسلامی و استقرار نظام مقدر داشتیم ولی هنوز به حد کافی به مباحث این مسئله مهم نپرداختیم این قضیه هستند تشکر کرد.

ماهیت انتخاب از دیدگاه فقه

عنوان بحثی که بنده به آن خواهم پرداخت مبادی فقه انتخابات است مبادی فقه انتخابات در یک جلسه اشاره می کنیم؛ به اجمال به عنوان مطلبی که مورد بحث قرار می گیرد انتخاب و ماهیت آن باشد. یعنی فی الجمله می گوییم اصولاً انتخاب در شئون سیاسی دارای چه ماه به این معنا که آحاد جامعه اسلامی یا آحاد مکلفین هر یک مکلف تکلیف شرعی دارند و وظیفه شرعی را در قبال مسئولیت سیاسی که خواهد وظیفه گذاری کند شرعاً موظف است در امور سیاسی ورو، خصوصاً حکومتی است یا اینکه به هر حال انسان دارای حق است و وظیفه ای بر عهده دارد شرعاً بر او لازم و فرض است که در این قض دارد که باید حق خود را استیفا کند و از این جهت تکلیف است یعنی حکم تکلیفی است و اگر حکم تکلیفی است چگونه تکلیفی است این ؛ مثلاً تمشیت امور و تدبیر شئون سیاسی از جمله مثلاً انتخاب ولات و وضعی و یک ساز و کار است. ساز و کار جنبه وضعی دارد از نوع طرح کرد که یک بخشی از مبادی این مسئله مهم می تواند قلمداد ش

مطالب جدید

نخستین «نشان عالی دانش» به آیت الله علی اکبر رشاد اهدا شد

۱۴۰۲-۰۳-۰۹

سخنرانی آیت الله رشاد در نخستین سالگرد رحلت علامه محقق آیت الله فاطمی نیا

۱۴۰۲-۰۳-۰۲

ماندگاری اسلام ناب مرهون تلاش های علمی امام صادق(ع) است

کتاب فلسفه مضاف آیت الله رشاد منتشر شد

۱۴۰۲-۰۲-۲۵

جامعه ما بزرگانی چون حاج آقا رسول موسوی تهرانی را به خوبی نمی شناسد.

۱۴۰۲-۰۲-۱۶

عده ای مسأله رفراندوم را پیراهن عثمان کرده اند

۱۴۰۲-۰۲-۰۷

تسلیم آیت الله رشاد در پی شهادت نماینده ی مجلس خبرگان رهبری، آیت الله عباسعلی سلیمانی

۱۴۰۲-۰۲-۰۷

ما سرمایه های عظیمی در حوزه معنویت داریم که هنوز به جهان عرضه نکرده ایم

۱۴۰۲-۰۱-۱۹

ماه مبارک رمضان، فرصت مهمی برای مطالعات معنوی است

۱۴۰۱-۱۲-۲۴

کتاب آشنایی با سلامت معنوی رونمایی شد

۱۴۰۱-۱۲-۲۰

پر بیننده ترین

دیوان امام: مجموعه اشعار...

میخانه عشق (متن کامل)

من به خال لبت ای دوست

منطق فهم دین

تفاوت و تمایز عقل و فطرت

رده مطالب

درباره ی استاد کتابها

منطق فهم دین: دیباچه واره ای بر منطق اکتشاف گزاره ها و

نظره‌های انسان شناسی معنوی انتخاب
این که مثلاً بخواهیم به نحو یک تبیین و تقریر فلسفی مسئله انتخابات
مقدمات و مبادی را مطرح کنیم؛

اصل نخست: انسان اجتماعی بالفطره است اصولاً به سمت زیست
گرایش دارد و اگر چنین باشد که هست یعنی انسان سالم انسان
مطالعه انسان‌شناختی ممکن است چنین انسانی را احياناً انسان دچار
اصل دوم: اگر چنین است که انسان اجتماعی بالفطره است و می
قهری و غیر ارادی همین اتفاق می افتاد چنان که جمع‌هایی از حیوا
یک کشش است نه الزام و به صورت فطری گرایش دارد و بنابراین ا
فرایند آن در این انتخاب و گزینش دخالت نکند و زیست اجتماعی نتر
حالت فطری دارد؛ بنابراین اجابت این فطرت در گرو اعمال اراده است
را داشته باشد ولی خب خیلی روان اتفاق می افتاد، قصری نیست، یک
اصل سوم: در تعرف جامعه می توان گفت مجموعه ای از انسان ها
تعامل و تعاضی دارند و در این ترابط تنگاتنگ قطعاً تراحم منافع رخ
افتد و همه می خواهند به منافع خودشان دست پیدا کنند و دستی
منافعی که می پندارد قرار بگیرد و یک محیط تراحم ایجاد کند.

اصل چهارم: اگر چنین باشد باید مقدمه چهارم را به آن اضافه کرد و ا
هرحال تراحمات همواره مسالمت آمیز جریان پیدا نمی کند بلکه کس
کسی در امور و شئون دیگری تصرف می‌کند که او راضی به این امر ن
اصل پنجم: اگر چنین باشد که تخصصاتی واقع شود قهراً مقدمه پن
تراحمات ما باید تدابیری بیندیشیم مثلاً دوائر و ادارات و نهاد هایی را
اداره این سلطات و دوائر و نهادها برای تنظیم امور جامعه



سلطات و دوائر را بر اساس قواعد و قوانینی پدید بیاوریم.

این اشخاص را که می‌خواهیم بگماریم و متصدی اداره این سا
در راس این ادارات و دوائر قرار بگیرند پس بنابراین مقدمه ششم
که این سلطات را اداره کنند و همچنین کیفیت تمشیت و تدبیر
مقدمه پنجم می شود.



اصل ششم: ما باید قوا و نهادهایی را به وجود بیاوریم باید اش
این نهادها را تمشیت کنند یعنی به قوانین و سازوکارهایی نیاز داریم
ارادی است یا اراده در آن دخیل است؟ باید گفت خیر این طور نیس
تلقائی و روان جریان پیدا می کند آیا تمام شاخه‌ها، دامنه‌ها، همه
نمی‌توانیم به لحاظ کششی از آن تخطی کنیم ظاهراً این طور هم نی
این معنا که همه ابعاد و اطراف و سطوح و لایه‌ها هم کاملاً تلقائی
ادعایی کنیم چنانکه اگر بگوییم همه این سطوح و ساحات لایه‌ها و
بر اینکه علی الاطلاق همه امور و شئون جامعه حتی ساز و کارها
حالت کند علایق باید دخالت کند رویه‌های عقلایی باید وارد میدان ش
بنابراین فی الجمله باید گفت طی این فرایندها و این تدابیر یعنی تأد
کمابیش فطری هستند کمابیش عقلی هستند کمابیش بعضی از آن
که بگوییم یک فضا و یک محیط بسیط یک دست یکسانی پیش روی
نداریم بشر و آحاد جامعه باید با اراده خود، چاره جویی و تدبیر کنند
آنها را استنباط کرد باید از این راه استفاده شود باید از عقل هم اسن
جمله رویه‌های عقلایی مسئله انتخابات و انتخاب کردن است طبعاً
کند.

اگر به این شکل باشد فی الجمله قبول می کنیم که به لحاظ عقلا
سبک‌ها و اسالیبی را که در محضر و منظر شارع اتفاق افتاده و رد
چنین است عقل نیز حجت الهی می باشد پس وجه حجیت شرعی هم
باید اجمالاً عرض کنیم آیا همه جا انتخابات کاربرد دارد؟ آیا در صورت
نوع از کاربرد را دارد؟ جواب این‌ها مثبت نیست نه همه جا گزینش
به یک معنا و یکسان نیست و هر جا ممکن است کاربرد خاص خودش
مبادی انسان‌شناختی انتخابات؛

می‌توان به مبادی دیگر هم اشاره کرد مثلاً مبادی انسان‌شناختی انت
بسته به شناختی که از انسان ارائه می کنیم یا هر مکتبی تصویری ک



مباحثه با جان هیک

این صحنه نشان ترک انسان است خب این نگاه چینی مبنایی در شناختی انتخابات را هم تعریف کنیم یعنی انتخابات یک ساز و کار گرانگه سیاست هم قدرت است خب با این نگاه انسان شناسانه یک تکالب و این مواجهه گرگانه و سگانه انسانها بر سر طعمه قدرت را تا لسان و ادبیات علمی و مباحثات سیاسی بعضی از جریان ها در کشور انسان شناختی انتخابات چقدر قوی است به این استناد می کنند؛ به ، ممکن است کسی بگوید ما طور دیگری بحث میکنیم میگوییم به هر سیاسی دخالت کند بحث منافسه قدرت نیست بلکه استحقاق ورود آدمی برای دخالت در سرنوشت خودش در سرنوشت جامعه اش در تعارض نیست احساس استحقاق می کند در نتیجه برای استیفای حقوق ممکن است کسی طرز دیگری مبنای انسان شناسی انتخابات را تبیین سلامت جامعه را تأمین کند تصمیم درست بگیرد و به تنهایی قادر نی و با هم بگویند جامعه را به دست چه کسی بسپاریم با هم بگویند معقول تر و پخته تر و سخته تر است تصمیمات در تأمین مصالح و لحاظ عقلی چنین تحلیل می کنیم و اگر جمعی باهم به امری بیندیش جمع شوند و با هم چنین کنند و خب هرچه نفرت بیشتر باشد بهتر ا رعایت خواهد شد.

ممکن است باز نظریه دیگری را مطرح کنیم انسان را مکلف بدانیه مسئول است از او بازخواست خواهد شد و تکلیفی بر عهده او است کند مسئله منافسه قدرت نیست مسئله مهار قدرت نیست حتی فقد قدرت نیست اصلا ما قبول نداریم که گرانگه سیاست قدرت است و خارج کند و خود قبضه قدرت کند نخیر این نیست یا بحث استخ اندازه ۱۵۰ میلیون انسان صاحب خرد باشد پس استخدام خرد انسان مکلف است انسان مسئول است انسان نمی تواند در ما طرف و بی تفاوت نباشد ولو خودش دنبال قدرت نیست ولو انسان مکلف بی طرف و بی تفاوت احياناً نمی تواند بشود و چو به هر حال امثال این گونه تقریر ها را می توان از مبادی و مبانی قلمرو و کارکردهای انتخابات

غالباً اول بار وقتی سخن از انتخابات به میان می آید ممکن است ذه است انتخاب و گزینش مطرح است یعنی فقط بحث کارگزاران نیس نظام، سازمان حکومت، سازمان رژیمی که باید بر جامعه و کشور ما پس بنابراین قلمرو انتخاب و گزینش محدود به انتخاب متولیان و کار این سبک مواجهه، دارای کاربرد است.

چنان که می توانیم با استفاده از همین فقره اخیری که عرض شد از تعیین و گمارش کارگزاران نیست برای تعیین ساز و کار تدبیر شئون و حکومتی را انتخاب کنیم که مثلاً در آن تفکیک قوا رعایت شده است می شود یا مثلاً نظام و چارچوبی را برگزینیم که غیر این است؟ چنان مشخصاً رای و نظر می دهیم یا کسانی را برمی گزینیم که قانونگذار، که مثلاً انتخاب در خصوص فرض ولی امر در اصطلاح دینی برای می کنیم یعنی به او اعطای ولایت می کنیم در نتیجه نگران باشیم ک باشیم که خب ما یعنی ولی تعیین می کنیم آیا ما ولی امر را تعیین ، خصوص شان ولایت امر کارکرد و کاربردی غیر از انتخاب در خصوص است احياناً غیر از کاربرد و کارکردی است که ما از انتخاب مثلاً اعضا کارکرد خودش را داشته باشد.

الان به طور قاطع نمی خواهیم عرض کنیم مثلاً در خصوص انتخاب در حقیقت با این انتخابمان در یک بیعت عامه ای مشارکت می کنید اهلیت لازم به لحاظ شرعی برای تصدی مقام ولایت امر هستی مثلاً ولی امر کارکرد انتخاب به مشارکت در انتخابات این بوده باشد اما د ما برای تمشیت امور و تدبیر امور از قبیل برنامه ریزی، تنظیم، سازه برای نظارت بر شئون حکومت از قتل مردم برای این جهات می رویم که بگوییم وکلای مجلس عهده دار تشریح هستند وکلای مجلس عهده دار سازماندهی هستند چنانکه در کتاب ولایت فقیه حضرت امام رحم

مسئله انتخاب ولی امر را در خصوص ولی امر این است که ولایتی پیدا کند و قبل از انتخاب شانیت ولایتی نداشت؟ آیا حدود اختیارات انتخابات شرکت می‌کنند که آن کسی که دارد تعیین می‌شود که حالا راساً ولی امر را انتخاب می‌کنند یا مثل قانون اساسی ما که ولی امر ولی امر را برمی‌گزینند؛ برمی‌گزیند آیا مصداق را تشخیص می‌دهد اعطا کنند یا مع الواسطه مردم چنین شانی را دارند که اعطای ولایت ممکن است؟ به تعبیری بگوییم که اصولاً آیا مردم خود دارای ولایت شئونی را که بر اساس میانی خود ما به عنوان شیعه امامیه حتی اعطا کنند؟ به نظر می‌رسد که مردم بسیاری از شئون و اختیارات مردم شان قضایی دارند آیا مردم قاضی هستند؟ آیا می‌توانند قضاوت امر را رای بدهند تا شانیت قضا به ولی امر ببخشند تا ولی امر بتواند آیا واقعاً مردم در انتخابات مربوط به ولی امر مشارکت می‌کنند که برعهده دارد؟ فاقد الشیء یا یکون معطی وقتی فاقد هستند که نمی‌نحوی فی الجمله اصل این مطلب را قبول داریم من دارم این تصویر ولایت قائل هستیم منتها آیا این است یعنی آیا اعطای ولایت می‌کند آیا اگر نمی‌توانند ولایت احاله کنند یعنی نقش آنها تولیت نیست نق معنی آن در آن صورت این خواهد شد که در همان حدودی که مردم تولیت اینجا پیش می‌آید بگوییم وکیل است پس بنابراین یک سری لحاظ انسان شناختی بر عهده دارند اینها به کسی به عنوان ولی و خودش را داشته باشد و کارکردی از سنخ حتی نه تولیت و نه توکیل ن مقوله انتخاب ولی امر و قلمرو آن

مسئله انتخاب ولی امر یک نظر تازه‌ای است معلوم نیست این امامیه قائل نداشته است و اگر بتوانیم در مسئله فرایند و ساز اعطای ولایت ندارند این مطلب در همین سه یا چهار دهه اخیر است و مرحوم منتظری بحثی را که در کتاب فقه الولایه دارند همیشه تاریخ بشریت رهبرش را به نحو انتخاباتی تعیین می‌کرد اصلاً در منظر شارع و مشرّع هم رهبر گزینی به همین شکل دارند و می‌گویند اصلاً در طول تاریخ وضعیت همین طور بود مختصر فحسی در تاریخ داشته باشد اثری از این تصور در تاریخ نخر تاریخ منطقه ما و جهان اسلام چنین نبوده است؛ این جور نبوده که بشود اصلاً چنین چیزی نبوده است این یک مطلب جدیدی می‌باشد یا ۲۵ دلیل اقامه کردند ما اینها را مورد ارزیابی قرار دادیم و در مقاله تلقی که ایشان دارند را به چالش کشیدم در واقع این تلقی همان رهبر های عقلایی منطقه ما و حتی در غرب در فرنگ هم در همین دوره ادعا کنند در عصر معصومین علیهم السلام هم چنین بوده است در هرحال خلفا هم که به رغم اشکالات اساسی فراوانی که نسبت به انتخاب مردم آزادانه رفتند رای دادند و یکی از اینها رای اکثریت آورد و انتخاب شخص خلیفه بشود بعد مردم بیعت و نصرت کردند و چنین چیزی در بگوییم رویه عقلاییه است و شارع هم که احد من العقلاء است و در است و بخواهیم به این شکل تقریر کنیم.

ادله مدعی ظهور در انتخاب هم یا سند یا دلالتا مخدوش است که است ظهور ادله خلاف این مسئله هست پس بنابراین ما با مسئله اینکه رجوع مردم نقشی دارد بله این فی الجمله پذیرفته است نقش طوری که ما برای کسی که موقعیت ولایت را احراز کند شروطی قائل است ممکن است اقبال مردمی را هم جزء این شروط و اوصاف قلم متعال بوده باشد نسبت به صفات موجود محقق کسی که مورد رجوع تعیین می‌شود یا مسئله اقبال را اصولاً مثل سایر شروط شرط بدان فعلیت ولایت ولی امر نقش آفرین و حضور آنها تعیین کننده است آن باشد این اجمال بحثی بود که تحت عنوان مبادی انتخابات عرض شد لینک کوتاه: <https://rashad.ir/?p=4466>

برچسب‌ها: حوزه امام رضا، درس خارج، علی اکبر رشاد، فقه انتخابات، ما